



تصحیح رساله «ابتدای ظهور صنعت طبع»

رادمان رسولی مهربانی^۱، علیرضا فتاح^۲

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

چکیده

«ابتدای ظهور صنعت طبع» نام یکی از رسالاتی است که «سلیمان بن حسین قلی خان دنبلی» از زبان ترکی به فارسی ترجمه کرده است. اینک دو نسخه از کار او باقی مانده است. مترجم اثر از خاندان معروف دنبلی است که برای مدتی حاکم آذربایجان بودند. حسین قلی خان آخرین حاکم این خاندان است و مؤلف این رساله پسر اوست. رسالاتی که ترجمه کرده است بیشتر درباره تاریخ روسیه و عثمانی هستند. این رساله نیز درباره تاریخ صنعت چاپ و سپس آغاز آن در عثمانی است. این رساله ترجمه آن چیزی است که احمدجودت افندی درباره صنعت چاپ در کتاب تاریخ خود نوشته است. از این رساله دو نسخه در کتابخانه ملی و ملک باقی مانده است. رساله «ابتدای ظهور صنعت طبع» با بحثی در باب اهمیت چاپ آغاز می شود. سپس نویسنده بحثی انتقادی در باب آنکه گوتنبرگ مبدع چاپ بوده یا لوران فوستر نوشته و بعد توضیحی کوتاه نیز درباره چاپ در دنیای قدیم (چین و ژاپن) داده و سپس به سراغ تاریخ چاپ در اروپا رفته و به ویژه بر چاپ در کشور فرانسه تمرکز کرده است. در نهایت سراغ موضوع چاپ در ممالک اسلامی آمده و درباره ظهور صنعت چاپ در استانبول و چگونگی آن توضیح داده و به صورت ویژه به نقش ابراهیم مجار (ابراهیم متفرقه را به واسطه نژادش چنین نام برده)، ابراهیم پاشا (صدر اعظم وقت عثمانی) و سعیدافندی می پردازد و از فتوای علمای عثمانی درباره عدم چاپ کتب دینی یاد می کند. **کلیدواژه‌ها:** صنعت طبع، چاپ، احمد جودت، عثمانی، ابراهیم متفرقه



مقدمه

صنعت چاپ بی‌شک یکی از مهم‌ترین اختراعات بشر و از اساسی‌ترین نشانه‌های تحول عصر سنت به دوران مدرن شناخته می‌شود. چاپ را چنانکه مشهور است، یوهانس گوتنبرگ آلمانی در نیمه قرن پانزدهم میلادی اختراع کرد و پس از آن در همه جای جهان به مرور رایج شد. البته صدها سال پیش از گوتنبرگ چینی‌ها و کره‌ای‌ها از چاپ با روشی تقریباً مشابه استفاده می‌کردند، اما با اختراع گوتنبرگ بود که این صنعت مهم فرهنگی در جهان شایع گشت.

تاریخ جودت پاشا و بابت درباره صنعت چاپ

صنعت چاپ در مواجهه مسلمانان با جهان جدید نیز بسیار جلب توجه کرده است. یکی از پیشروان اندیشه تجدد در عثمانی، احمد جودت پاشا (۱۲۳۸-۱۳۱۳هـ)، دولتمرد و اندیشمند عصر تنظیمات بود. نام کامل او احمد بن اسماعیل بن علی بن احمد بن اسماعیل بود که در خاندان یکی از امیرزادگان دولت عثمانی در بلغارستان فعلی متولد شد. او در رأس جریان اصلاح طلب با اندیشه اسلامی قرار داشت. همچنین از نخستین اعضای «انجمن دانش» بود که با اقتباس از آکادمی فرانسه تأسیس شده بود. جودت پاشا در دولت عثمانی مشاغل زیادی بر عهده گرفت که مهم‌ترینشان عبارت‌اند از: عضویت در مجلس تنظیمات، ریاست شورای دولت، ریاست دیوان احکام عدلیه، وزارت معارف، چندین بار وزارت عدلیه، وزارت اوقاف، وزارت داخله و استانداری حلب. او از ۱۲۷۲ تا ۱۲۸۳هـ وقایع‌نویس رسمی دولت عثمانی بود. او یادداشت‌ها یا «تذاکر» خود در این دوره را که بر اساس مشاهدات مستقیمش نوشته شده بودند، بعداً به وقایع‌نویس بعدی عثمانی، لطفی افندی، داد و وی از آن‌ها در تاریخ خود استفاده کرد. او را بزرگ‌ترین فردی در عثمانی دانسته‌اند که به کار وقایع‌نویسی و تاریخ‌نویسی گماشته شد (Erhan Afyoncu, ۲۰۰۸, ۱۵۶). «جهان‌بینی تاریخی جودت پاشا با مورخان و واقعه‌نویسان ادوار پیشین متفاوت بود. وی تحت تأثیر دستاوردهای تنظیمات، در تألیف آثار تاریخی خود از بینش و تفکر دانشمندان فرانسوی چون منتسکیو (۱۶۸۹-۱۷۵۵م./۱۱۰۰-۱۱۶۸هـ) و میشله (۱۷۹۸-۱۸۷۴م./۱۲۱۳-۱۲۹۱هـ) سود جست. بی‌طرفی، استفاده از مآخذ معتبر، تحقیق در صحت و سقم رویدادها و جست‌وجوی علل آن‌ها، بررسی نتایج به‌دست آمده و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، و استفاده از زبان ساده و قابل فهم برای عموم از ویژگی‌های آثار اوست.» (دیانت، ۱۳۸۹، ۶۹۸) کتاب تاریخ او تاریخ عثمانی از ۱۱۱۸ تا ۱۲۴۲هـ/ ۱۷۷۴ تا ۱۸۲۶م. را دربرمی‌گیرد، یعنی از عقد معاهده‌نامه قینارجه تا انحلال سپاه ینی‌چری، که می‌توان آن را تاریخ دوره شکل‌گیری مقدمات تجدد و عصر تنظیمات در عثمانی دانست. این کتاب به سفارش «انجمن دانش» تألیف شده بود. جودت پاشا این کتاب را در ۱۲ جلد با استفاده از نوشته‌های وقایع‌نگاران پیش از خود، بایگانی‌ها، مشاهدات شخصی، نقد و تحلیل منابع، بررسی علت‌ها و معلول‌ها و نیز مقایسه تاریخ عثمانی با دول اروپایی نوشت. (همان)

جودت پاشا در قسمتی از این کتاب، فصلی درباره صنعت چاپ و تاریخ پیدایش آن در اروپا و سپس ورودش به عثمانی نوشته است. او نخست در باب اهمیت چاپ و فایده آن، انتشار علوم نافع، سخن می‌گوید. سپس بحثی انتقادی در باب این که اولین بار در کدام شهر چاپ آغاز گشته نوشته و زندگی گوتنبرگ، مبدع چاپ، را شرح می‌دهد. سپس درباره لوران فوستر و این که بعضی از مورخین او را آغازگر فن چاپ دانسته‌اند توضیح می‌دهد. توضیحی کوتاه نیز درباره چاپ



در دنیای قدیم داده و می نویسد که ۱۶۰۰ سال پیش از این در چین و ژاپن نوعی چاپ رواج داشته است. بعد به سراغ تاریخ چاپ در اروپا رفته و به ویژه بر چاپ در کشور فرانسه تمرکز می کند.

در نهایت سراغ موضوع چاپ در ممالک اسلامی می آید و در ابتدا از این که چاپ در این ممالک دیر هنگام رواج یافت اظهار ناراحتی می کند و بعد درباره ظهور صنعت چاپ در استانبول و چگونگی آن توضیح داده و به صورت ویژه به نقش ابراهیم مجار (ابراهیم متفرقه را به واسطه نژادش چنین نام برده)، ابراهیم پاشا (صدراعظم وقت عثمانی) و سعیدافندی می پردازد و از فتوای علمای عثمانی درباره عدم چاپ کتب دینی یاد می کند.

ترجمه فارسی رساله ابتدای ظهور صنعت طبع

در کتابخانه ملک و کتابخانه ملی، دو نسخه از کتابی وجود دارد که گردآورده و ترجمه سلیمان بن حسین قلی خان دنبلی است. اجداد او یعنی خانواده معروف دنبلی برای مدتی بر آذربایجان حکومت می کردند. آخرین فردی از این خاندان که حکومت مستقلی داشت، حسین قلی خان، پدر مترجم این رساله، است. عبدالحسین نوایی نسخه کتابخانه ملی را بررسی کرده و درباره این خاندان نیز توضیح بیشتری داده است (نوایی، ۱۳۷۶، ۱۶۸-۱۷۰).

سلیمان دنبلی چنان که خود نیز به اشاره در مقدمه کتاب گفته است، این مجموعه را در سال ۱۲۷۱ هجری، از چند اثر تاریخی به زبان ترکی ترجمه کرده است؛ تاریخ کاترین امپراطریس روس، تاریخ جودت، تاریخ صبحی افندی و... علی الاجمال این مجموعه بی نام شامل ده رساله است: ۱. تاریخ روسیه و احوال کاترین دوم؛ ۲. مصالحه نامه عثمانی و روسیه در قینارجه؛ ۳. کیفیت مملکت قریم و انقراض دولت سلسله چنگیزیه از آن دیار بعد از مصالحه قینارجه با نقض عهد؛ ۴. در بیان تحقیقات و تقصیراتی که رجال حال به رجال ماضی دولت عثمانیه وارد آورده اند؛ ۵. مختصری از سلسله چنگیزیه قریم و انقراض آن ها در ۱۱۹۷؛ ۶. بندی از تاریخ احمد جودت افندی رومی در فضیلت تاریخ؛ ۷. ارقامی که وزیرای دولت عثمانیه از جانب صفی میرزای مجهول النسب بر اهل دیوان نوشته اند؛ ۸. کیفیت ظهور ینکی چریان و چگونگی قتل ابراهیم پاشای داماد؛ ۹. ابتدای ظهور صنعت طبع در قسطنطنیه و اروپا؛ ۱۰. در بیان کیفیت لشکر نظام؛ ۱۱. کیفیت مرض آبله و پیداشدن مایه.

رساله مورد نظر ما همین رساله هشتم است که ترجمه بخشی از کتاب تاریخ احمد جودت است.

اشاره به ابراهیم متفرقه و اشتباه در ترجمه شرح حال او

در این رساله نقش ابراهیم متفرقه در راه اندازی چاپ در عثمانی به خوبی توضیح داده شده، اما مترجم در ترجمه بخشی از شرح حال او دچار اشتباه شده است. آنجایی را که متن درباره آشنایی عثمانیان با صنعت چاپ است، چنین ترجمه کرده است:

در آن وقت ابراهیم آقا نامی مشهور به انکروس که در فنون ریاضی مهارت تمام می داشت با ابراهیم آقای مشهور به مجار که آدم ذی فنونی و زکی و هنرمندی در روزگار خود بود در خصوص طبع گفتگو کرده منافع کثیره فن مزبور را مدلل نمود. ابراهیم آقای مجار تصدیق منافع آن را کرده اظهار نمود که اگر در اخراجات کارخانه طبع امدادی بشود من متعهد می شوم که از عهده آن برآیم و از قوه به فعل بیاورم. هر دو ابراهیم متفقاً رساله ای در خصوص محسنات صنعت مرقوم



نوشته به ابراهیم پاشای مشهور به داماد که در آن هنگام صدراعظم می بود خواستند که به غیر از کتب احادیث و تفسیر کتب حکمیّه مانند طب و لغت و ریاضی و تاریخ و هیئت از این قسم کتب طبع نمایند. چنان که مشهور است، مترجم از دو ابراهیم نام برده است؛ یکی ابراهیم انکروس و در واقع انکروسی، و دوم ابراهیم مجاری، که هر دو مردانی دانشمندند و با هم رساله‌ای به ابراهیم پاشای صدراعظم می نویسند. اما حقیقت متن تاریخ جودت پاشا چنین است:

و در همان وقت ابراهیم افندی مجاری معروف به ابراهیم آقا انکروسی که در ریاضیات چیره دست بود و در فنون فراوان ماهر بود و به ذکاوت و کاردانی مشهور بود، در آستانه بود و دولت راتبه او را در ازای خدماتش ۹۹ درهم نقره قرار داده بود و این رتبه در درگاه عالی «متفرقه» نامیده می شد، پس به نام ابراهیم متفرقه شناخته شد. پس سعید افندی مذکور به نزد او آمد و درباره پیدایش صنعت طبع در دارالسعاده (استانبول) صحبت کرد. پس ابراهیم گفت که در خروج این صنعت از قوه به فعل تواناست اگر مساعدتی در مال پیدا شود. پس رساله‌ای نوشت و آن را به ابراهیم پاشا، داماد حضرت پادشاه، داد و از او اجازه چاپ کتب حکمت و لغت و تاریخ و طب و هیئت و سایر فنون را به جز تفسیر و حدیث و فقه و کلام- درخواست کرد. (جودت، ۱۳۰۸ق، ۸۲)

همان طور که مشخص است، سلیمان دنلی، شاید از سر پیچیدگی عبارت، جمله توصیفی در باب ابراهیم را به درستی متوجه نشده است و خیال کرده که دو ابراهیم در کار بوده‌اند.

نسخه‌ها

از این متن دو نسخه باقی مانده است. یکی مجموعه ۱۲۲۷ در کتابخانه ملی (انوار، ۱۳۶۹، ۲۷۳) و دیگری ۳۹۶۱ در کتابخانه ملک (افشار و دانش پژوه، ۱۳۶۹، ۱۱۱). کتابت نسخه کتابخانه ملی به دست عبدالستار گرگانی در ۱۳۰۰هـ و کتابت نسخه کتابخانه موقوفه مرحوم حاج حسین ملک در ۱۲۷۳هـ به انجام رسیده است. نسخه ملک به خط خوش نستعلیق، بر روی کاغذ فرنگی خطدار و در ۱۱ صفحه نوشته شده است. نسخه ملی به خط شکسته نستعلیق بر روی کاغذ فرنگی و در ۱۶ صفحه نوشته شده است. کاتب گویی با عجله و با بعضی تغییرات اندک و خط خوردگی‌های فراوان متن را نوشته است و چنانکه مرحوم دکتر نوایی هم در مقاله‌شان نوشته‌اند، از اجرت کم کتابتشان نالان بوده است.

در مورد رسم الخط هر دو نسخه هم لازم به ذکر است که طبیعتاً بنا به رسم الخط قدیم، حرف اضافه «به»، علامت فعل «می»، علامت جمع «ها» و در بسیاری موارد، حرف ربط «که» متصل نوشته شده بودند که آن‌ها را بنا به رسم الخط امروز جدا کرده‌ایم. بقیه موارد در پاورقی‌ها توضیح داده شده است. از نکات زبانی جالب این رساله هم یکی این است که به جای «یازدهم» همه جا می نویسد «یازدهم».

متن رساله مذکور بر اساس نسخه ملک در ادامه خواهد آمد. تفاوت‌های نسخه ملی در پاورقی ثبت شده است و تنها در دو سه مورد ضبط این نسخه بر نسخه ملک ترجیح داده شده است که یادآور شده‌ایم. همچنین متن با ترجمه عربی تاریخ جودت مقایسه گشته و در مواردی به آن نیز استناد شده است.



در بیان ابتدای ظهور صنعت طبع در قسطنطنیه و اروپا و منفعت آن به عموم اهل عالم

صنعت طبع را اگر اّم مدنیّت اطلاق کنند شایسته است به جهت این که از مخترعات بشریه انفع و علائقین^۱ صنایع یک فنّ جلیل عظیم‌العدل است. در این زمان‌ها باعث ترقیات عظیمه صنایع ملل اروپا و امریکا این فنّ شریف شدنش مسلم کل است. اگر کسی خواسته باشد که کتابی را استنساخ نماید که سی هزار بیت کتابت داشته باشد، اولاً به مدتی و مخارجی^۲ محتاج می‌باشد. اقل‌اً سه ماه تمام یک نسخه به اتمام می‌رسد. چنین کتابی که ذکر شد در مدت بیست روز هزار نسخه بدون سقط و غلط به اتمام می‌رسد، انتشار علوم نافع با این می‌شود و انتشار علوم چندین منافع را از نو کشف کرده و^۳ باعث اطلاع احوال ملل و شناختن کیفیت هریک از اقوام مختلفه^۴ می‌شود. الحاصل، مایه انسانیت انسان و اکمال خصایص و معارف انسانیت و^۵ ایفای لوازم و طرایف مدرنیته می‌کند و مستعدین را به درجه کمال می‌رساند. در ازمنه سابقه اگر جمعی کسب تمدن کرده در فنون و معارف بصیرتی^۶ حاصل کرده بودند به سبب عدم انتشار آن فن، بعد از انقراض آن قوم علومی که تحصیل کرده و^۷ صنعتی که پیدا کرده بودند، در مدت قلیل کأن لم یکن شده معدوم گردید^۸، اما در این زمان این صنعت طبع و تمثیل باعث انتشار نسخ و افره گشته در هر گوشه از هر فن اوراق و آثار عدیده پیدا شده^۹، معارف و علوم بعد از این امید هست که الی ماشاءالله باقی و برقرار بماند.

اگرچه مورخین در موجد این صنعت اختلاف کرده‌اند که اول مخترع این فن در کدام شهر و کی بوده است^{۱۰}. حال آنچه که معلوم می‌شود از^{۱۱} ابتدای این فن در مملکت المانیا از شهرهای هس دارمشتاد غران دوقه نشین^{۱۲} در بلده مایانس^{۱۳} نام شخصی گوتن بورغ^{۱۴} نام با شخص فوست^{۱۵} نام بالاشتراک طبع‌خانه‌ای^{۱۶} ایجاد کرده. آن دو نفر بودنش محقق است. لکن^{۱۷}

^۱ ملی: اعلاترین.

^۲ ملی: «و مخارجی» را ندارد.

^۳ ملی: «و» ندارد.

^۴ ملی: هریک از اقوام علوم چندین منافع مختلفه کیفیه؛ که بی معناست.

^۵ ملی: انسانیه.

^۶ ملی: «بصیرتی» ندارد.

^۷ ملی: نموده

^۸ ملی: معدوم گردیدند.

^۹ ملی: شد.

^{۱۰} ملی: که بود و در کدام شهر بوده است.

^{۱۱} ملی: «از» ندارد.

^{۱۲} ملی نخست به همین شکل نوشته است اما سپس روی «گران دوقه» خط زده و نوشته است: قراندوکه. منظور ایالت گراندوک نشین هس (Grand Duchy of Hesse-Darmstadt) است.

^{۱۳} ماینتس/Mainz.

^{۱۴} ملی: گوتن بورق. و در موارد بعد نیز همچنین است. از تکرار می‌پرهیزیم.

^{۱۵} نام این شخص در واقع Johann Fust است.

^{۱۶} ملی: طبع‌خانه انشا و.

^{۱۷} ملی: لیکن. در موارد بعد نیز چنین است.



چنان مستفاد می‌شود که گوتن‌بورگ مذکور صنعت مزبور^{۱۸} اول در بلده ستراس‌بورق^{۱۹} نام پیدا کرده است. حال اهل این ولایت مرقوم مدعی هم می‌باشند که این فن در ولایت ما پیدا شده است. از این جهت همیشه با هم رقیب و معارض^{۲۰} هستند، اما هر دو ملت متفقا گوتن‌بورگ را مخترع این فن می‌دانند. این که موجد و مخترع این صنعت او^{۲۱} بوده است شبهه نیست. چون نسب گوتن‌بورگ به یکی اصل‌زادگان^{۲۲} ممالک المانیا ملحق می‌شود، در سنه ۱۴۰۰ تاریخ مسیحیه یعنی در سنه ۸۰۳ هجریه در بلده مایانس متولد گردیده لکن در سنه ۸۲۸ در شهر ستراسبورغ^{۲۳} نشو و نما یافته تا در سنه ۸۴۸ هجریه در شهر مذکور توطن داشته، از این جهت او را از اهل ستراسبورغ مقید و معدود داشته‌اند. چون^{۲۴} در سنه ۸۴۰ هجری در شهر مزبور اندر دو ریزن^{۲۵} و با چند شخص دیگر در خصوص بعضی حرف و صنایع مخفیة عقد شرکت بسته، مدتی نگذشته اندر دو ریزن فوت شده، برادر او^{۲۶} دو ریزن بالارث داخل ماده شرکت مزبور گردید. در سنه ۸۴۳ هجری ژر دو ریزن دعاوی حقوق شرکت برادر خود را از اندر نموده حکم صادر نمود که حق برادر را بگیرد. چون صنعت طبع نیز داخل صنایع خفیه بوده از این قرار چنان معلوم می‌شود که صنعت مزبوره در سنه ۸۴۳ هجریه در شهر ستراستبورغ ایجاد شده، اما صحیحا معلوم نشده است که ابتدا چطور این صنعت ساخته شده، طبع نموده‌اند. مظنه عمومی آن است که گوتن‌بورغ اول از چوب حروفات تراشیده آن را استعمال می‌کرده است، لکن در جمیع کتب که چاپ کرده است در هیچ‌یک از آن‌ها اسم خود را و کیفیت طبع را درج نکرده است. از آن سبب در میان مورخین اختلاف کلی واقع شده است، اما در سنه ۸۴۷ هجری گوتن‌بورغ مزبور در شهر مایانس طبع‌خانه ایجاد کردن و با فوست نام شخص شراکت نمودن او محقق است و زبوری که مشهور به چهل [و] دو سطر است و به این اسم هم تسمیه شده است در این طبع‌خانه طبع شدنش از روایات عمومی است، اما نوشته‌اند کی^{۲۸} طبع نموده و در کدام طبع‌خانه طبع شده. در سنه ۸۵۵ هجری که گوتن‌بورغ و فوست شریک بودنش شبهه نمانده است، سه نوع قالب حروفات ایجاد کرده بوده‌اند. اولی در روی تخته حروفات کنده بوده‌اند، دویم از چوب پارها قالب حروفات ساخته بوده‌اند. سیم قالب حروفات از سرب و غیره ریخته بودند. ولادت فوست^{۲۹} در شهر مایانس

^{۱۸} ملی: +را.

^{۱۹} ملی: استراس‌بورق

^{۲۰} ملی: معارض و رقیب.

^{۲۱} ملی: گوتن‌بورق.

^{۲۲} ملک: بکر اصل‌زاده کان؛ که بی‌معنا به نظر می‌آید. ملی هم نخست چنین نوشته است، اما بعد مطابق متن اصلاح کرده است، که با ترجمه عربی تاریخ جودت هم مطابقت دارد. این از معدود مواردی است که ملی را در متن قرار داده‌ایم.

^{۲۳} ملی: ستراسبورق. موارد بعدی نیز چنین است.

^{۲۴} ملی: چو.

^{۲۵} ملک: زیزن. و در موارد بعد هم چنین است. متن مطابق ملی و ترجمه عربی است.

^{۲۶} ملی: رورژ. در ترجمه عربی هم جورج آمده است.

^{۲۷} ملی: ۸۴۰.

^{۲۸} ملی: که.

^{۲۹} ملی: + نام شخص.



بوده و در آنجا به گوسفندداری اوقات می گذرانده، صاحب ثروت و دولت بوده است. به گوتن بورغ از وجه نقد و به سبب مهارت نسبت به صنعت مذکور خیلی اعانت^{۳۰} و دستگیری نموده لکن در سنه ۸۶۰ هجری در مابین آن‌ها نزاع واقع شده، گوتن بورغ عوض طلب فوست که سابقا ذکر شد حصه خود را از طبع خانه به فوست مذکور واگذار نمود. بعضی اشخاص دوباره به گوتن بورغ اعانت نموده، امداد کردند طبع خانه علی حده بنا نمودند^{۳۱}. نسخه کتب چند در آن طبع خانه طبع کردند. گوتن بورغ در سنه ۸۷۳ هجری در شهر مایانس از^{۳۲} دنیا رحلت نموده، اما فوست چنان که ذکر شد طبع خانه را بالکلیه به تصرف خود در آورد^{۳۳}. بعد از آن به بیتروس شورفر^{۳۴} نام شخص عقد شرکت بسته طبع خانه به کار انداخت^{۳۵}. در سنه ۸۶۲^{۳۶} هجری یعنی^{۳۷} در سنه ۱۴۵۷ عیسوی تاریخ چهاردهم آغس توس را با جلد زبوری که به بسوتیه^{۳۸} موسوم است در آنجا طبع کرده اسم و تاریخ در آن کتاب نوشته اند. اولین کتاب زبور که^{۳۹} چاپ شده همین^{۴۰} است^{۴۱}.

شوفر نام شخصی از قراء^{۴۲} دارم شتاد از قریه کرنس هایم^{۴۳} نام متولد گشته، به شغل کتابت اوقات صرف می نمود. در سنه ۸۵۳ هجری مدتی در شهر پاریس اقامت کرده، بعد به شهر مایانس آمده، در طبع خانه گوتن بورغ و فوست به خدمت کتابت اقدام می کرد. رفته رفته داماد و شریک^{۴۴} فوست گردید. چون شوفر مرقوم زیاد مرد زیرک و زکی^{۴۵} بود^{۴۶} در طبع خانه مذکور حروف را مثل تمغا کنده طبع می نمودند. شوفر همان تمغا را قالب قرار داده، حروف را در آن قالب ریخته، صاف نموده، چاپ می کرد. از این قالب طبع کمال پذیرفت. فوست از این اختراع و تصرف شوفر زیاد ممنون و خوشنود گشته، دختر خود را به او داده، او را شریک خود ساخت. به این حروف تازه تصرف شوفر در طبع خانه مرقوم ابتدا در سنه ۸۶۴

^{۳۰} ملی: +کرده.

^{۳۱} ملی: +و.

^{۳۲} ملی: +این.

^{۳۳} ملی: درآورده.

^{۳۴} ملی: پتروس شور. نام این فرد در واقع Peter Schoffer است.

^{۳۵} ملی: انداختند.

^{۳۶} ملک: ۸۶۷. متن مطابق ملی و ترجمه عربی است که با واقعیت تاریخ هم مطابقت دارد.

^{۳۷} ملی: یعنی ندارد.

^{۳۸} ملی: بسوتیه. Psalterium به معنی مجموعه سرودها و نیایش های کلیسایی است که کتاب چاپی شوفر و فوست امروزه موجود و مشهور

است. البته در ترجمه عربی تاریخ جودت «بسوتیه» آمده است که به نظر درست نمی آید.

^{۳۹} ملی: زبوری که.

^{۴۰} ملی: چنین.

^{۴۱} ملی: +مرقوم.

^{۴۲} ملی: قریه های.

^{۴۳} در واقع، گریزهایم / Griesheim.

^{۴۴} ملی: +و.

^{۴۵} ملی: زکی و زیرک.

^{۴۶} ملی: می بوده.



هجری کتاب دوراندی نام مؤلف را در سنه ۸۶۵ و کتاب نظامات قلماندیسی را در سنه ۸۶۷ هجری و تورات به زبان لاتین^{۴۷} را که اول طبع آن بود طبع نمودند. از روی روایات مشروحه اول موجد طبع گوتن بورغ بوده و شوهر آن را به کمال رسانیده است، لکن بعضی از مورخین نوشته اند که مخترع و موجد این صنعت از شهرهای فلمنگ از اهالی شهر هارلم لوران فوستر نام شخصی بوده که قطعه امریکا^{۴۸} را هم او پیدا کرده است به سبب طول سفر او به جانب امریکا^{۴۹} اسم لوران فوستر فراموش مردم گشته و^{۵۰} آخر به اسم گوتن بورغ و فوست شهرت یافت.^{۵۱} چنانکه بعضی از اهل تاریخ نوشته اند لوران فوستر در^{۵۲} عالم سیاحت در کوهی می گشت^{۵۳}. از پوست درختان شکل حروفی ساخته^{۵۴} چند شعری به آن حروف چاپ می کند. بعد آن را به داماد خود نشان داده، به اتفاق^{۵۵} هم سعی کرده مرکبی ثابت نیز ایجاد کرده^{۵۶}، یک جلد کتاب طبع می نماید. بعد^{۵۷} حروفات را از سرب ساخته به کار می برند. بعد به جهت استحکام از قلع حروفات ساخته آشکارا بنای طبع می گذارند، لکن کیفیت طبع^{۵۸} را از خدام طبع خانه پنهان می داشته اند^{۵۹}. در آن هنگام فوست سابق الذکر داخل عمله طبع خانه مرقوم بوده است. چون فوست مزبور^{۶۰} مرد زکی بود، عمل طبع را درک کرده بوده است. لوران فوستره آن را دانسته به فوست در باب کتم کیفیت طبع قسم های غلاظ و شداد^{۶۱} داده بود، لکن شبی از شب ها که لوران فوستره، استاد فوست، به کلیسیا رفته بود، فوست فرصت یافته جمیع اسباب طبع خانه مذکور را برداشته از آن شهر فرار می نماید. مدتی گاه^{۶۲} در امستردام و گاهی در جای^{۶۳} دیگر گشت و گذار کرده، آخر در شهر مایانس قرار می گیرد. اول در سنه ۸۴۶ هجری در بلده مرقومه چند جلد

^{۴۷} ملی: برنالاتین.

^{۴۸} ملی: امریکا. در موارد بعدی نیز چنین است.

^{۴۹} ملی: +اسم او به سبب پیدا کردن امریکا شهرت کرد این صنعت اختراع کردن به.

^{۵۰} ملی: گشت.

^{۵۱} این قسمت نیز که شگفتی اش واضح است، چنان که درباره قسمت ابراهیم متفرقه شرح داده شد، به اشتباه ترجمه شده است. صحیح مطلب این بوده است: «مخترع لوران فوستر بوده و نامش فراموش شده است و اختراع به گوتنبرگ و فوست نسبت داده شده است، همان طور که نام کریستف کلمب که امریکا را در سیاحتش کشف کرده، فراموش گشت و اکتشاف امریکا به مردی غیر از او، به نام امریک، که در آن زمان به آنجا سفر کرده بود، نسبت داده شد.» (جودت: ۷۸)

^{۵۲} ملی: بر.

^{۵۳} ملی: گشت می کرد.

^{۵۴} ملی: ساختند

^{۵۵} ملی: با.

^{۵۶} ملی: نشان داده با هم دست یکی کرده سعی می نمایند تا مرکب ثابتی نیز ایجاد می کنند.

^{۵۷} ملی: +از آن.

^{۵۸} ملی: عمل

^{۵۹} ملی: می داشتند.

^{۶۰} ملی: «مزبور» ندارد.

^{۶۱} ملی: «و شداد» ندارد.

^{۶۲} ملی: مدت گاهی.

^{۶۳} ملی: جاهای.



کتاب چاپ می‌کند. آخر با گوتن بورغ و شوفر عقد مشارکت می‌بندد و در سنه ۸۵۵ هجری به صنعت مرقوم رواج می‌دهند. بنا به این روایات اصل موجد و مخترع این فن لوران فوستره بوده^{۶۴} است اما گوتن بورغ و فوست باعث نشر و شهرت آن شدند و در زمان سلف بعضی قالب‌ها مثل قالب باسمه^{۶۵} و مهر بوده است و آن را استعمال می‌کردند^{۶۶}، اما آن را صنعت طبع نمی‌توان گفت. معلوم نیست که عمل لوران فوستر از کدام یک از این عمل بوده است. پس از این قرار لازم است که ایجاد اختراع فن طبع را باز به گوتن بورغ اسناد داد^{۶۷}.

به هر حال بعد از آنکه منافع فن طبع در نزد ذوی‌العقل^{۶۸} مسلم است، این ابتدای اهل چین و یا اعراب اندلس پیدا کرده‌اند روایت‌ها می‌کنند. هیچ کدام از این روایت‌ها به ثبوت نرسیده است اگرچه در مملکت چین و جزایر ژاپون^{۶۹} هزار و شش صد سال قبل از این تاریخ مرقوم از چوب بعضی اشکال و حروف تراشیده طبع نمودن عادت بوده است. این نوع چاپ یونی‌ها^{۷۰} و^{۷۱} رومانی‌ها جاری بوده است^{۷۲} و در جوار مملکت ایتالیا و ناپولی در خرابه هرکولا نام به این وجه مزبور مطبوع نسخه دعوات پیدا شدن را گفته‌اند و مدعی بوده‌اند که این فن در زمان سلف بوده است، در این زمان‌های ما اختراع نشده است. اگرچه این را^{۷۳} گفته‌اند اما صنعت طبیعی که در اوایل زمان بوده است ظاهراً از قبیل خاتم بوده باشد. طبیعی^{۷۴} که عبارت از ترکیب و وصل^{۷۵} حروف باشد اصل موجد و مخترع آن باید گوتن بورغ سابق‌الذکر باشد.

الحاصل در این جزو زمان که ذکر شد صنعت در شهر مایانس به ظهور رسیده، بر میزان و^{۷۶} منوال مشروح در سنه ۸۶۷ هجری بلافاصله مدتی در کار بوده است. در تاریخ مرقوم بر شهر مایانس محاربات واقع شده، به سبب استیلای خصم طبع‌خانه‌های آن بلده خراب گشته، عمل طبع مدتی در عقده تأخیر افتاده، بعد از آن در بلاد سائره شیوع و انتشار یافته بود. بعد از خرابی طبع‌خانه‌های مایانس فوست و شوفر سابق‌الذکر بعد از دو سال با هزار زحمت و مشقت باز مجدداً طبع‌خانه

۶۴ ملی: می‌بوده.

۶۵ ملی: باصمه

۶۶ ملی: می‌کرده‌اند.

۶۷ ملی: + خلاصه.

۶۸ ملی: ذوی‌العقول.

۶۹ ملی: چاپون.

۷۰ ملی: یونانی‌ها.

۷۱ ملی: + کهنه.

۷۲ ملی: «است» ندارد.

۷۳ ملی: این را اگرچه.

۷۴ ملی: طبیعی.

۷۵ ملی: تحلیل.

۷۶ ملی: «میزان و» ندارد.



خود^{۷۷} آباد نموده^{۷۸} تا دو سال دیگر بعضی کتب طبع می نمودند. در^{۷۹} سنه ۸۷۱ هجری فوست چند جلد از تورات های طبع کارخانه خود را به ولایت پاریس برده خواست به فروش برساند. خطاطان پاریس با بعضی از عوام اجماع کرده گفتند این مرد ساحر است، این تورات ها را به سحر درست کرده است، سرخی ها که در سر سخن هاست، همه از خون انسان است. جمعی از مقلدین متعصب^{۸۰} بس که اغوا^{۸۱} کردند بیچاره فوست را حاکم شهر فوراً گرفته حبس نمود. در آن ایام پادشاه فرانسه لوی یانزدهم می بود، چون حرص تمام به ظهور این صنعت^{۸۲} می داشته به شرط کشف سر کیفیت طبع فوست را از حبس بیرون آورد. در همان سال فوست مرقوم به مرض وبا در شهر پاریس از این جهان رحلت نمود. طبع خانه شهر مایانس بدون شریک به^{۸۳} شوfer مرقوم داماد فوست رسید. شوfer مدتی در آن طبع خانه به کار پرداخت^{۸۴} تا^{۸۵} در سنه ۹۰۹ هجری در کارخانه مزبور کتاب حکمتی چاپ شده بود و در آن کتاب اسم پسر شوfer که ژان شوfer نام داشته است طبع شده^{۸۶} بود. از این قرار چنان معلوم می شود که شوfer در آن تاریخ رحلت کرده بوده است چنان که قبل ذکر شد بعد از^{۸۷} اغتشاش و انقلاب شهر مایانس صنعت مذکور بر وجه مشروحه به اکثر بلاد منتشر شد. اول در مملکت ایتالیا و بعد در فرانسه شایع گردید. در مملکت فرانسه در ظرف مدت قلیل زیاده رواج به هم رسانید^{۸۸}. پادشاه فرانسه لوی یانزدهم اگر چه بی نهایت^{۸۹} ممسک و لثیم بوده، لکن به رواج و انتشار صنعت مذکور همت گماشته سه نفر از استادان^{۹۰} این فن از شهر مایانس آورده، بر طبع کتب مباشرت نمود. اگر چه^{۹۱} رواج طبع باعث کساد بازار خطاطان فرانسه شده خلل کلی به منافع خطنویسان رسیده، خطاطان مرقوم منافع شخصی خود را به منافع عامه ناس ترجیح داده، باز جمعی از متعصبین عوام الناس^{۹۲} بر سر خودشان جمع کرده به دیوان خانه پارلامنت نام^{۹۳} که دیوان خانه بزرگ ملت فرانسه است عرض کردند که این سه نفر استادان طبع

^{۷۷} ملی: +را.

^{۷۸} ملی: نموده اند.

^{۷۹} ملی: «در» ندارد.

^{۸۰} ملی: +از.

^{۸۱} ملی: «اغوا» ندارد.

^{۸۲} ملی: «صنعت» ندارد.

^{۸۳} ملی: «به» ندارد.

^{۸۴} ملی: می برد.

^{۸۵} ملی: + در سنه ۹۰۸ هجری کتاب ها که در کارخانه در شهر مایانس طبع شده است اسم تاریخ دارد.

^{۸۶} ملی: مطبوع.

^{۸۷} ملی: «از» ندارد.

^{۸۸} ملی: + زیرا.

^{۸۹} ملی: غایت.

^{۹۰} ملی: +صاحب.

^{۹۱} ملی: اگر.

^{۹۲} ملی: + را.

^{۹۳} ملی: نام را خط زده است.



ساحرند و^{۹۴} عمل سحر می کنند، لامحاله باید تأدیب و تنبیه شده از این عمل منع نمایند. از جانب دیوانخانه پارلامنت حکم صادر کردند که اموال اشخاص مرقومه را مصادره نموده و تأدیب کرده از این عمل منع^{۹۵} نمایند. اگرچه از دیوانخانه مرقومه این حکم صادر شده بود، باز پادشاه فرانسه لوی یازدهم ملطف^{۹۶} حکم نگشته، استادان را در حفظ و^{۹۷} حمایت خود نگهداری نمود^{۹۸} از آن ورطه خلاصی داد و به قدر مقدور در حق آن‌ها امتیازی چند^{۹۹} برقرار نمود و بعد از لوی یازدهم لوی دوازدهم که پادشاه فرانسه شد به امتیاز آن‌ها افزوده، از خدام کارخانه و اسباب جلدسازی را علاوه بر سایر امتیازات کرد تا این که نوبت سلطنت فرانسه به فرانسوا اول رسید. او نیز امتیازات سلاطین سلف را تصدیق و تزیید نمود. صنعت مذکور در آن مملکت روزبه روز پیشرفت به هم رسانید اما معلمین مدرسه دارالفنون فرانسه شکوه مغلوب بودن کتب را^{۱۰۰} کرده، خللی به امتیازات آن‌ها وارد آمد. بعد قرار دادند که جمعی را به جهت مقابله نسخه‌ها^{۱۰۱} تعیین نمایند که غلط و سقط واقع نشود.

این صنعت در سنه ۸۷۶ هجری^{۱۰۲} در ممالک اسپانیول شایع گشته، بعد از صد سال^{۱۰۳} در ممالک روسیه^{۱۰۴} منتشر گردیده و در مملکت انگلیس هم در سنه ۸۷۶ هجری شخصی حروفات مقطع برده خواست عمل طبع را اجرا دارد. حاکم و ضابط پایتخت مانع گشتند^{۱۰۵}. آن شخص حامل حروف از شهرهای انگلیس به شهر بورویق^{۱۰۶} نام رفته خواست بنای طبعخانه بگذارد. جمعی از عوام کالانعام آن ولایت اجماع کرده، گفتند این صنعت نوظهور کثیرخرج و قلیل نفع چه مصرف دارد که در ملک ما منتشر گردد. آن‌ها نیز همین عرض را به دیوانخانه^{۱۰۷} خود^{۱۰۸} کردند که مانع از احداث طبعخانه شود، لکن در آن اوقات^{۱۰۹} صنعت مذکوره در هر طرف منتشر گشته شهرت تمام پیدا کرده بود نتوانستند ممانعت نمایند. در آن ملک نیز منتشر شد. بعد از شیوع صنعت مزبور استادان فن مرقوم روزبه روز مهارت حاصل نموده، به نزاکت و لطافت و ظرافت

^{۹۴} ملی: «و» ندارد.

^{۹۵} ملی: نهی.

^{۹۶} کذا.

^{۹۷} ملی: و ندارد.

^{۹۸} ملی: + حضرات را.

^{۹۹} ملی: امتیاز چندی.

^{۱۰۰} ملی: «را» ندارد.

^{۱۰۱} ملی: نسخه.

^{۱۰۲} ملی: هجریه.

^{۱۰۳} ملی: چندی.

^{۱۰۴} ملی: + نیز.

^{۱۰۵} ملی: گشته نگذاشتند.

^{۱۰۶} ملی: توریق.

^{۱۰۷} ملی: + پارلامنت.

^{۱۰۸} ملی: + عرض.

^{۱۰۹} ملی: خلال.



حروف سعی کردند^{۱۱۰} تا صنعت مزبور به درجه کمال رسید. در تاریخ هزار هجری کتاب‌هایی که در طبع خانه‌های فلمنگ طبع می‌شد در نهایت نزاکت و ظرافت، مبراً از جمیع نقص و خلل^{۱۱۱} و پسندیده اصحاب معارف می‌بود. جای تعجب و محلّ عبرت این است که عوام‌الناس مانند طفل بی تمیز نفع و ضرر خود را نفهمیده، دائماً پیروی جمع ارباب غرض که همیشه منافع شخصیّه خود را به منافع عامه ترجیح می‌دهند نموده، اطاعت آن دشمنان دوست‌نما را از فرایض می‌شمارند. از آن جمله به تحریک چند نفر از خطاطان فرانسه جمع کثیری^{۱۱۲} در ترک و منع این^{۱۱۳} چنین صنعتی که منافع عظیمه از آن عاید^{۱۱۴} عامه مخلوق^{۱۱۵} می‌شود مبالغه^{۱۱۶} می‌کردند تا در این عصرها گویا اراده ازلّی به آن قرار گرفته باشد که کسی مانع نتواند بشود، به جهت ظهور این صنعت شریف معارف و معلومات به جمیع عالم شایع و منتشر گردد و زبان اهل غرض کوتاه شود.

صنعت طبع در ممالک شرقیه اول در اسلامبول بنا شده، بعد از مدتی باز موقوف گشته، اگرچه در خصوص علم و فضایل آیات و احادیث چند وارد است، من جمله^{۱۱۷}: «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون»^{۱۱۸} و حدیث: «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد». چنان صنعت کثیر المنفعت که مدار^{۱۱۹} انتشار علوم و تحصیل قواعد مدنیّت به این فن شریف به آسانی دریافت و حاصل می‌شود، پس در این صورت به وسایل آن به سرعت تمام نسبت جستن از فرایض ذمت می‌بود، لیکن به مقتضای وقت چون در آن ایام هنوز با^{۱۲۰} اهل اروپا چندان مخالطه نبوده به مضمون «من عرف لسان امن من مکرهم» در آن وقت این نکته دقیق را^{۱۲۱} رعایت نکرده که «اطلبوا العلم ولو بالصین» و^{۱۲۲} به طریق^{۱۲۳} آن سالک نگشته، بر منوال مشروح

^{۱۱۰} ملی: می‌کردند.

^{۱۱۱} ملی: از جمیع نقص و خلل مبرا.

^{۱۱۲} ملی: کثیر.

^{۱۱۳} ملی: «در ترک و منع این» ندارد.

^{۱۱۴} ملی: + جمیع.

^{۱۱۵} ملی: مخلوقات.

^{۱۱۶} ملی: سعی‌ها و کوشش‌ها در منع و ترک آن می‌کردند.

^{۱۱۷} ملی: از آن جمله.

^{۱۱۸} ۳۹ زمر: ۹

^{۱۱۹} ملی: هزار.

^{۱۲۰} ملی: به.

^{۱۲۱} ملی: این دقیقه.

^{۱۲۲} ملی: «و» ندارد.

^{۱۲۳} ملی: طریق.



ضیاء یک سیاره نوظهوری که هر گوشه مملکت اروپا را^{۱۲۴} به اشعه معارف روشن داشته، عجب است که ضیاء طلعه آن به افطار شرقیه دیر رسیده است.^{۱۲۵}

کیفیت ظهور آن در اسلامبول بر این وجه بیان کرده اند که محمد افندی مشهور و معروف به بیست و هشت^{۱۲۶} در هنگامی که به طریق سفارت به پاریس رفته بود پسر بزرگ^{۱۲۷} خود سعید افندی را که در آن وقت از محررین صدر اعظم دولت روم می بود، در آخر به رتبه^{۱۲۸} صدراعظمی رسید، ملقب به سعید پاشای صدراعظم شد، در آن بین که با والد خود، محمد افندی، در شهر پاریس می بود منافع صنعت طبع را در آن مملکت کما هو حق درک کرده در وقت مراجعت^{۱۲۹} به اسلامبول با جمعی از اصحاب معارف منافع صنعت مزبوره را مذاکره کرده، همه تصدیق و تعریف نمودند. در آن وقت ابراهیم آقا نامی مشهور به انکروس که در فنون ریاضی مهارت تمام می داشت با ابراهیم آقای مشهور به مجار^{۱۳۰} که آدم ذی فنونی و زکی و هنرمندی در^{۱۳۱} روزگار خود بود در خصوص^{۱۳۲} طبع^{۱۳۳} گفتگو کرده، منافع کثیره فن مزبور^{۱۳۴} را مدلل نمود. ابراهیم آقای مجار تصدیق منافع آن را کرده اظهار نمود که اگر در اخراجات کارخانه طبع امدادی بشود من متعهد می شوم که از عهده آن برآیم و از قوه به فعل بیاورم. هر دو ابراهیم^{۱۳۵} متفقاً رساله ای در خصوص محسنات صنعت مرقوم نوشته به ابراهیم پاشای مشهور به داماد، که در آن هنگام صدراعظم می بود، خواستند که به غیر از کتب احادیث و تفسیر کتب حکمیه مانند^{۱۳۶} طب و لغت و ریاضی و تاریخ و هیئت از این قسم کتب طبع نمایند. اگرچه اول در اجرای این صنعت نوظهور به ذهن علما بعضی تردید^{۱۳۷} و خلجان وارد گشته، آخر به اصرار^{۱۳۸} سعید افندی و تصاحبی صدراعظم در سنه ۱۱۳۹ هجری شیخ الاسلام اسلامبول، عبدالله افندی، و جمعی از فضلاء آن مملکت در بالای رساله مرقوم تصدیق و تعریف قلمی نمودند و عبدالله افندی بخصوصه فتوایی در باب اجرای فن مرقوم نوشته، مرخص کردند که به غیر از کتب تفسیر و

^{۱۲۴} ملی: + که.

^{۱۲۵} انکروس همان مجارستان است و باید اینجا انکروسی باشد. چنانکه گفته شد مترجم این قسمت را به کلی مغلوط ترجمه کرده است. شیخو به خوبی این ماجرا را شرح داده است (شیخو، ۱۹۹۵، ۲۱-۲۰).

^{۱۲۶} ملی: + چلبی.

^{۱۲۷} ملی: خلف ارشد.

^{۱۲۸} ملی: مرتبه.

^{۱۲۹} ملی: معاودت.

^{۱۳۰} این شخص همان ابراهیم متفرقه است.

^{۱۳۱} ملی: آدم ذی فنون زکی هنرمند.

^{۱۳۲} ملی: + فن.

^{۱۳۳} ملی: + ابراهیم آقای سابق الذکر به ابراهیم آقای مجار.

^{۱۳۴} ملی: مذکور.

^{۱۳۵} ملی: ابراهیمین.

^{۱۳۶} ملی: مانند ندارد.

^{۱۳۷} ملی: تردد.

^{۱۳۸} ملی: اسرار [کذا!!]



کلام و احادیث سایر کتب را طبع نمایند. فرمان با دست خط سلطان روم به عهده ابراهیم افندی و سعید افندی صادر گشت که مرخص باشند فن مزبور را اجرا دارند. ابراهیم افندی بعد از مرخصی^{۱۳۹} در سعی و کوشش و سعید افندی در خرج کوتاهی نکرده، در ظرف دو سال جمیع اسباب طبع خانه را در کمال نظم فراهم آورده، ادوات لازمه آن را بی نقص و قصور به اتمام رسانید. به جهت تصحیح نسخه چند نفر از فضلاء^{۱۴۰} ذوفنون اسلامبول را تعیین نموده، موجب و مرسوم به آنها قرار دادند. در سنه ۱۱۴۱ هجری اول کتابی که در طبع خانه مرقوم چاپ کردند نسخه و انقولی^{۱۴۱} نام در لغت عرب می بود که به کار طلاب بیاید. آن را در دو جلد مجلد نمودند و در اول کتاب ابتدائاً^{۱۴۲} صورت^{۱۴۳} دست خط سلطان^{۱۴۴} و بعد صورت فتوی مذکور و رساله مسطور را طبع نمودند. بعد از آن کتب مختلفه چاپ می کردند تا در سنه ۱۱۹۸ به سبب بعضی محذورات کم کم صنعت طبع در اسلامبول بالکلیه معدوم و منسوخ گردید. باز در سنه مرقوم مجدداً به مباشرت و اصف افندی وقایع نویس طبع خانه را به کار انداخته^{۱۴۵} بعد از آن تاریخ الی زماننا هذا^{۱۴۶} روزبه روز محسنات آن در نظرها جلوه کرده، در هر گوشه قسطنطنیه طبع خانه ها ساخته نسخه ها طبع می نمایند. در اواخر اجازه طبع تفسیر و احادیث نیز داده حال جمیع کتب را چاپ می نمایند.

^{۱۳۹} ملی: بعد از مرخصی ابراهیم افندی.

^{۱۴۰} ملی: +صاحب ذهن.

^{۱۴۱} ترجمه صحاح جوهری به ترکی است.

^{۱۴۲} ملی: ابتدا.

^{۱۴۳} ملی: +فرمان.

^{۱۴۴} ملی: همایون.

^{۱۴۵} ملی: طبع خانه به کار افتاد.

^{۱۴۶} ملی: تا زمان یومنا هذا.



منابع:

- افشار، ایرج و محمدتقی دانش‌پژوه، ۱۳۶۹، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، جلد هفتم، تهران، کتابخانه ملی ملک.
- انوار، سید عبدالله، ۱۳۶۹، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، جلد سوم، تهران، کتابخانه ملی ایران، چاپ دوم.
- جودت پاشا، احمد، ۱۳۰۸ق، تاریخ جودت، جلد اول، ترجمه عبدالقادر بن مصطفی البیروتی، بیروت، مطبعة جريدة.
- دیانت، علی اکبر، «جودت پاشا»، در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد هجدهم، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۹.
- شیخو، لويس، ۱۹۹۵، تاریخ فن الطباعه فی المشرق، بیروت، دار المشرق، طبعه ثانیة.
- نوایی، عبدالحسین، «نقد و معرفی یک رساله خطی»، فصلنامه کتاب، شماره ۲۹ و ۳۰، بهار و تابستان ۱۳۷۶، ۱۶۶-۱۷۳.
- Erhan Afyoncu: "Court chronicles", in Encyclopedia of the Ottoman Empire, By Gábor Ágoston, Bruce Alan Masters, New York, Facts on File, 2008.